

افول دکترین نامحدود بودن اختیارات شورای امنیت در آئینه عروج دیوان دادگستری اروپا

سید قاسم زمانی^۱

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۴/۱۱

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی تاریخ تأیید: ۹۳/۰۶/۱۸

حوریه حسینی اکبرنژاد^۲

دانش‌آموخته دوره دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

رأی دیوان دادگستری اروپا در قضیه کادی، مبتنی بر برتری دادن استانداردهای حقوق بشری بر ضمانت اجرای اتخاذ شده توسط شورای امنیت می‌باشد. اعضای ملل متحد در حالی که به طور کامل در قبال قطعنامه‌های شورای امنیت ملتزم می‌باشند، در صورت تعارض میان ایفای این تعهدات و اعمال حقوق بشر بنیادین افراد بر طبق حقوق اتحادیه اروپا، از اجرای بخشی از قطعنامه مذکور معاف می‌باشند. تأکید ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد بر جایگاه منشور، به عنوان قواعد برتر جامعه بین‌المللی، نباید ما را از توجه به اهمیت سایر قواعد حقوق بین‌الملل از جمله قواعد حقوق بشری غافل سازد. بنابراین در صورت وجود تعارض میان قطعنامه‌های شورای امنیت و حقوق بنیادین بشر بر طبق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، نه اتحادیه اروپا و نه دولت‌های عضو آن مجاز به اجرای قطعنامه‌هایی که منجر به نقض حقوق بنیادین که در نظام حقوقی مستقل اروپا تضمین شده است، نمی‌باشند.

واژگان کلیدی: شورای امنیت، حقوق بشر، دیوان دادگستری اروپا، دیوان اروپایی حقوق بشر، تعارض تعهدات، قواعد آمره

مقدمه

ایجاد سازش میان فعالیت‌های شورای امنیت در زمینه صلح و امنیت بین‌المللی و فعالیت‌های آن ارکانی که به امر توسعه و ترویج احترام به حقوق بشر اشتغال دارند، در گرو دادن چهره انسانی به اقدامات شورای امنیت در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، از طریق احترام به قواعد و اصول حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه در چارچوب رژیم تحریم‌های اعمالی می‌باشد (ممتاز، ۱۳۸۷: ۳۴۳-۳۴۴). اکنون شاهد آن هستیم که به تدریج یک سلسله مراتب هنجاری در میان قواعد و هنجارهای حقوق بین‌الملل، فراتر از قلمرو حقوق معاهدات، در

1. Email: drghzamani@gmail.com

«نویسنده مسئول»

2. Email: hooriehhosseini@yahoo.com

حال شکل‌گیری و به رسمیت شناخته شدن است که دارای آثار و تبعات مستقیم بر مناسبات متقابل میان نظام‌های حقوقی متعدد حقوق بین‌الملل بوده است. به رسمیت شناختن خصیصه «آمره» برای برخی از قواعد و هنجارهای حقوق بشری، بر چگونگی حل تعارضات موجود میان قواعد و نظام‌های حقوقی متعدد حقوق بین‌الملل^۱، از جمله تعارض میان نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت و نظام حقوق بشر، تعارض میان نظام حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و نظام حقوق بشر، تعارض میان نظام حقوق مالکیت فکری و نظام حقوق بشر، تعارض میان نظام حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق بین‌الملل اقتصادی^۲ و دیگر موارد متعدد تعارض میان نظام‌ها، تأثیرات انکارناپذیر داشته است (de Wet, 2011:112).

سؤال اساسی این است که در صورت بروز تعارض میان حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و قواعد حقوق بین‌الملل بشر، کدامیک بر دیگری تقدم و اولویت خواهد داشت (شایگان، ۱۳۹۰: ۲۵). از جهت حقوقی شورای امنیت نمی‌تواند با استناد به صلح و امنیت بین‌المللی، موازین حقوق بشر را نقض نماید. وضع تحریم‌های ناقض حقوق بشر، تخلف از مواد مختلف منشور و مقررات حقوق بین‌الملل بوده و فاقد مشروعیت است (زمانی و زنگنه، ۱۳۹۲: ۴۴-۴۵).

۱. تورم هنجاری موجود در عرصه حقوق بین‌الملل می‌تواند تهدیدی برای یکپارچگی آن محسوب شود، این امر به ویژه با توجه به فقدان یک قوه قانونگذاری متمرکز، فقدان ارکان قضایی واجد صلاحیت اجباری و عام و فقدان یک حکمرانی متمرکز فراتر از رضایت فردی دولت‌ها در سیستم حقوق بین‌الملل می‌تواند حائز اهمیت باشد. از این رو، چندان جای تعجب نمی‌باشد که اکنون شاهد آن هستیم اندیشمندان و حقوقدانان در آثار متعددی بر امکان همپوشانی و گاهی امکان بروز تعارض میان سیستم‌ها یا نظام‌های فرعی حقوق بین‌الملل که مشتمل بر هنجارهای متفاوت می‌باشند، تمرکز نموده و از دیدگاه‌های مختلف آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. واقعیت آن است که در شرایط کنونی، دولت‌ها با سردرگمی مواجه‌اند که از میان قواعد و هنجارهای متنوع موجود، کدامیک را تبعیت نمایند، در حالی که ممکن است تبعیت از این قواعد، در همان زمان منجر به نقض قواعد دیگر شود. ر. ک:

Book Review, EJIL, Vol. 23, 2012, pp. 583-604, Tomer Broude and Yuval Shany (eds). Multi-Sourced Equivalent Norms in International Law. Oxford: Hart Publishing, 2011, pp. 344.

۲. از دیدگاه برخی از حقوقدانان، از آنجایی که تحقق حداقل توسعه پایدار، مستلزم ادغام ملاحظات زیست محیطی در موضوعات مربوط به توسعه اقتصادی و اجتماعی است، بنابراین، مفهوم توسعه پایدار می‌تواند ابزار مفیدی برای حل تعارضات موجود میان قواعد و هنجارها در زمینه‌های مذکور باشد. در صورت بروز تعارض میان قواعد زیست محیطی و قواعد اقتصادی، استناد به توسعه پایدار می‌تواند برقراری موازنه میان قواعد را میسر نماید. توسعه پایدار می‌تواند به عنوان یکی از قواعد حل تعارض مورد توجه قرار گیرد. ر. ک:

Virginie Barral, "Sustainable Development in International Law: Nature and Operation of an Evolutive Legal Norm", European Journal of International Law, 2012, Vol. 23 No. 2, p. 395.

رأی دیوان دادگستری اروپا در قضیه کادی در جولای ۲۰۱۳^۱ و رأی دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه نادا در سپتامبر ۲۰۱۳^۲، مبتنی بر برتری دادن استانداردهای حقوق بشری بر ضمانت اجرای اتخاذ شده توسط شورای امنیت می‌باشد که مبتنی بر قطعنامه ۱۲۶۷ (مصوب ۱۹۹۹) می‌باشد.^۳ قضیه کادی^۴ از جمله قضایای بسیار چالش برانگیز است که در سال‌های اخیر، بحث‌های زیادی را در آثار حقوقدانان به خود اختصاص داده است.^۵ فقدان یک مرجع قضایی مستقل در چارچوب ملل متحد به منظور رسیدگی به شکایت‌های افرادی که مشمول ضمانت اجرای شورای امنیت در راستای اقدامات این نهاد در مبارزه با تروریسم می‌شوند، سبب شده است که

1. Joined Cases C-584/10 P, C-593/10 P and C-595/10 P, European Commission and the Council of the European Union v. Yassin Abdullah Kadi (18 July 2013).

2. *Nada v. Switzerland*, Appl. No. 10593/08, ECtHR (Judgment) [Grand Chamber] (12 September 2012).

واقعیت این است که رویه هر دو نهاد مذکور (دیوان دادگستری اروپا و دیوان اروپایی حقوق بشر) بسیار حائز اهمیت می‌باشد. رویه دیوان اروپایی حقوق بشر می‌تواند بر رویه ۴۷ کشور عضو شورای اروپا و رویه دیوان دادگستری اروپا نیز بر رویه ۲۸ دولت عضو تشکیل دهند اتحادیه اروپا می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد. نکته حائز اهمیت این است که دو عضو دائم شورای امنیت یعنی فرانسه و انگلیس نیز در زمره این کشورهای اروپایی می‌باشند.

3. SC Res. 1267 (15 October 1999).

قطعنامه‌های بعدی شورای امنیت که بر مبنای قطعنامه مذکور به تصویب رسیده‌اند، عبارتند از:

SC Res. 1333 (19 December 2000); SC Res. 1390 (28 January 2002); SC Res. 1455 (17 January 2003); SC Res. 1526 (30 January 2004); SC Res. 1617 (29 July 2005); SC Res. 1735 (22 December 2006); SC Res. 1822 (30 June 2008) and SC Res. 1904 (17 December 2009).

قضیه کادی در سال ۲۰۰۵ برای نخستین بار در دادگاه بدوی مطرح گردید. دادگاه بدوی در رأی نهایی، خود را ذی صلاح جهت ارزیابی عملکرد شورای امنیت قلمداد نمود.

Case T-315/01, *Yassin Abdullah Kadi v. Council of the European Union and Commission of the European Communities* [2005] ECR II-3649 (21 September 2005).

۴. از این رو، خواهان به طرح دعوا در دیوان دادگستری اروپا مبادرت نمود و در نهایت دیوان در رأی ۲۰۰۸ خود، برتری تعهدات حقوق بشری دولت‌ها بر تعهدات ناشی از قطعنامه‌های شورای امنیت را مورد تصریح قرار داد.

Joined Cases C-402/05 P and C-415/05, P *Yassin Abdullah Kadi and Al Barakaat International Foundation v. Council of the European Union and Commission of the European Communities*, [2008] ECR I 6351 (3 September 2008) (Kadi CJEU I).

دیوان دادگستری اروپا مجدداً در جولای ۲۰۱۳، رأی خود را مورد تجدید نظر قرار داد.

Joined Cases C-584/10 P, C-593/10 P and C-595/10 P, *European Commission and the Council of the European Union v. Yassin Abdullah Kadi* (18 July 2013) (Kadi CJEU II).

5. Antonios Tzanakopoulos, "Collective Security in Human Rights", in: Erika de Wet and Jure Vidmar (eds.), *Hierarchy in International Law: The Place of Human Rights*, Oxford, Oxford University Press, 2012, p.42; Erika de Wet, "Human Rights Considerations and the Enforcement of Targeted Sanctions in Europe: the Emergence of Core Standards of Judicial Protection", in: Bardo Fassbender (ed.), *Securing Human Rights? Achievements and Challenges of the UN Security Council*, Oxford: Oxford University Press, p.141; Gráinne de Búrca, "The ECJ and the International Legal Order after Kadi", *Harvard International Law Journal*, Vol. 51, 2010.

رویه مکانیسم‌های منطقه‌ای به خصوص در چارچوب شورای اروپا در این زمینه، بیش از پیش واجد اهمیت گردد (de Wet, 2011: 790).

۱- التزام دولت‌ها در قبال حقوق بنیادین بشر بر طبق منشور ملل متحد و نظم حقوقی اتحادیه اروپا

فقدان حمایت مقتضی و مناسب از حقوق بنیادین بشر افراد در سیستم ملل متحد از جمله در قطعنامه‌های صادره از شورای امنیت، سبب بروز تعارض میان نظم حقوقی ملل متحد و نظم حقوقی اتحادیه اروپا - که حمایت بیشتری از حقوق بنیادین افراد به عمل می‌آورد - شده است و نمونه بارز این امر را می‌توان در قضیه کادی مشاهده نمود (Scheinin, 2009: 637).^۱

از دیدگاه برخی از حقوقدانان، در حالی که در منشور ملل متحد مقررۀ صریحی در خصوص مأموریت شورای امنیت در راستای ارتقاء، حمایت و اجرای حقوق بشر وجود ندارد، در دهه‌های اخیر شاهد آن بوده‌ایم که شورای امنیت تحت عنوان حمایت از حقوق بشر، مبادرت به اتخاذ اقدامات الزام‌آور نموده است. از این رو، به نظر می‌رسد که در دهه‌های اخیر، یک ارتباط مفهومی میان حقوق بشر و صلح و امنیت بین‌المللی، در حال شکل‌گیری است. در طول بیش از شش دهه که از تصویب منشور ملل متحد گذشته است، شاهد آن هستیم که مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی، دستخوش تحولاتی شده است. آنچه در این تحولات مفهومی، حایز اهمیت است این است که برقراری ارتباط متقابل میان صلح و امنیت بین‌المللی و حقوق بشر، جای هیچ تردیدی را باقی نمی‌گذارد که شورای امنیت می‌بایست بیش از دهه‌های گذشته خود را در قبال تعهدات حقوق بین‌الملل بشر، ملتزم بداند و کلیه اقدامات خود از جمله تحریم‌های هدفمند علیه اشخاص حقیقی و حقوقی را در چارچوب احترام به حقوق بنیادین افراد اتخاذ نماید (Daphna, 2011).

۱-۱- منشور ملل متحد و ایجاد سلسله مراتب میان قواعد در حقوق بین‌الملل

یکی از ویژگی‌های وجود قانون اساسی در یک سیستم حقوقی، ایجاد سلسله مراتب میان قواعد و هنجارهای آن سیستم می‌باشد. پس از لازم‌الاجرا شدن قانون اساسی، تمامی قواعد جامعه باید منطبق با استانداردهای مندرج در قانون اساسی باشد. منشور ملل متحد بر وجود چنین سلسله مراتبی میان قواعد تصریح کرده است. بر طبق ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد، در صورت وجود تعارض میان

۱. از دیدگاه برخی از حقوقدانان، در بسیاری موارد ضمانت اجراهای مندرج در قطعنامه‌های شورای امنیت منجر به نقض حقوق بنیادین بشر و آزادی‌های اساسی افراد می‌شود.

قواعد مندرج در منشور با سایر قواعد، باید مفاد منشور ملل متحد برتری داده شود. برتری منشور ملل متحد، همچنین در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه لاکربی نیز مورد بحث قرار گرفته است (Fassbender, 2009: 103). دیوان در این قضیه تأکید نمود که قطعنامه ۷۴۸ شورای امنیت (مصوب ۱۹۹۲)، در مقایسه با تمامی حقوق ادعایی دولت لیبی بر طبق کنوانسیون موئترال از برتری برخوردار است و واجد خصیصه الزام‌آور است (Lockerbie, 1992 ICJ Rep: 39-41).

از دیدگاه توماس چت، منشور ملل متحد اکنون از دیدگاه تمامی دولت‌ها به مثابه یک سند مؤسس برای جامعه بین‌المللی قلمداد می‌شود که چارچوب تمامی اقدامات دولت‌ها را تعیین می‌کند (Tomuschat, 1992: 38, 43-44). این نوع طرز تلقی در رأی صادره توسط دادگاه بدوی در قضیه کادی که در شورای اوپا مطرح گردید، نیز مورد تأیید واقع شد. در این رأی خاطر نشان شد: «از منظر حقوق بین‌الملل، تعهدت دولت‌های عضو ملل متحد، بر طبق منشور ملل متحد، بر تمامی تعهدات دیگر آن‌ها بر طبق حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل برتری دارد. برای دولت‌های عضو شورای اروپا نیز، کلیه تعهدات آن‌ها بر طبق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز تعهدات آن‌ها بر طبق سایر اسناد و معاهدات مربوط به جوامع اروپایی باید منطبق باشد با مفاد منشور ملل متحد از جمله ماده ۱۰۳ منشور که ناظر بر اولویت منشور بر سایر تعهدات بین‌المللی است (Ahmed Ali Yusuf Case & ..., 2005: 231-233).

۲-۱- قواعد حقوق بشری: واجد خصیصه قوانین ناظر بر نظم عمومی جامعه بین‌المللی

از دیدگاه برخی از حقوقدانان، تأکید بر جایگاه منشور ملل متحد به عنوان قواعد برتر جامعه بین‌المللی، نباید ما را از توجه به اهمیت سایر قواعد حقوق بین‌الملل از جمله قواعد حقوق بشری غافل سازد. قواعد حقوق بشری از جمله دو میثاق بین‌المللی حقوق بشری و کنوانسیون منع و مجازات شکنجه، به عنوان قواعد ناظر بر نظم جامعه بین‌المللی قلمداد می‌گردند. با توجه به اهمیت و جایگاه حقوق بشر در مفاد منشور ملل متحد، می‌توان نتیجه گرفت که قواعد حقوق بشری نیز واجد خصیصه اساسی و حایز اهمیت برای جامعه می‌باشد (Fassbender, 2009: 122).

۲- محدودیت‌های شورای امنیت در اقدام بر طبق فصل هفتم منشور ملل متحد بر اساس سلسله مراتب میان قواعد حقوق بین‌الملل

در زمان تدوین و تصویب منشور ملل متحد، هیچ‌گونه مأموریت و کارکردی در رابطه با حقوق بشر برای شورای امنیت لحاظ نشده بود، اما متعاقب شکل‌گیری تدریجی سلسله مراتب

میان قواعد و هنجارهای حقوق بین‌الملل، و بین‌المللی شدن قواعد حقوق بشری، ضرورت ایجاد می‌نمود که یک تفسیر موسع از مأموریت شورای امنیت ارائه گردد. با توجه به اینکه اهداف و اصول منشور متحد، صرفاً محدود به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نمی‌شود، بلکه موضوعات خطیری نظیر ملاحظات حقوق بشردوستانه و حقوق بشری، اقتصادی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد؛ بنابراین شورای امنیت باید در ایفای مأموریت خویش، خود را در قبال حمایت از حقوق بشر افراد نیز ملزم بداند (Gowlland-Debbas, 2011:3).

۲-۱- جایگاه قواعد حقوق بشری در سلسله مراتب هنجاری موجود بر طبق ماده ۱۰۳ منشور

ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد، یک سلسله مراتبی را میان قواعد حقوق بین‌الملل مقرر می‌کند که به موجب آن، در صورت بروز تعارض میان تعهدات دولت‌های عضو ملل متحد بر طبق منشور حاضر با سایر تعهدات آن‌ها بر طبق دیگر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، تعهدات آن‌ها بر طبق منشور ملل متحد از اولویت برخوردار خواهد بود. اگر چه منشور ملل متحد، به طور مشخص دربرگیرنده تعهدات حقوق بشری معینی نمی‌باشد، اما ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد، ناظر بر کلیه اقدامات حقوق بشری بعدی می‌باشد که در راستای اجرای تعهدات کلی مندرج در منشور اتخاذ شده‌اند. البته در سطح منطقه‌ای، دیوان اروپایی حقوق بشر، به طور مکرر در رویه خود، برتری قواعد حقوق بشری مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را بر سایر تعهدات بین‌المللی دولت‌های عضو، مورد تأکید قرار داده است. دیوان در رویه خود، تعهدات حقوق بشری دولت‌ها بر طبق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را واجد خصیصه «الزام‌آور بودن»^۱ قلمداد نموده^۲ و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را به عنوان «سند اساسی نظم عمومی اتحادیه اروپا»^۳ به رسمیت شناخته است (Loizidou v. Turke, preliminary objections: 75). دیوان به صراحت مسئولیت دولت‌های عضو را در قبال انطباق کلیه اقدامات بعدی خود با مفاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مورد تأکید قرار داده است (Bosphorus Case, 2005: 154).

۲-۲- ماده ۱۰۳ و حل تعارض میان تصمیمات شورای امنیت و قواعد آمره

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا ممکن است میان هنجارها و قواعد مندرج در منشور و قواعد آمره، تعارض به وجود بیاید و در صورت بروز چنین تعارضی، کدامیک

1. peremptory character

2. ECHR, Bosphorus Hava Yollari Turzım ve. Ticaret Anonim Sirketi v. Ireland, Case 45036/98, judgment of 30 June 2005, at para. 154.

3. a 'constitutional instrument of European public order'

از قواعد، از اولویت برخوردار خواهد بود. اگر چه منشور ملل متحد در مورد رابطه میان خود و قواعد آمره، سکوت اختیار نموده است، اما منطقی به نظر می‌رسد که قواعد و هنجارهای مندرج در منشور باید منطبق با قواعد آمره باشد. دلیل اصلی این امر نیز مربوط به مفهوم منشور ملل متحد است که به مثابه چارچوبی می‌باشد که تمامی قواعد و هنجارهای گذشته و آینده را به یکدیگر مرتبط می‌کند. در زمانی که منشور تدوین گردید، در واقع، قواعد عرفی سابق را در قالب یک معاهده، درآورد (de Wet, 2004: 183, 188)؛ از آنجایی که در آینده نیز قواعد عرفی و قواعد آمره جدید به وجود خواهد آمد، بنابراین، علی‌القاعده این قواعد نمی‌تواند به لحاظ ماهوی، مغایر با مفاد قواعد مندرج در منشور ملل متحد باشد (Watson, 1993: 37).

بر طبق مفاد کنوانسیون حقوق معاهدات وین، در صورتی که یک معاهده در تعارض با قواعد آمره باشد، باطل و بی‌اثر خواهد بود و دولت‌های عضو نیز ملزم می‌باشند تا حد امکان آثار و نتایج ناشی از اقدامات خود را که در تعارض با قواعد آمره است، امحاء نمایند. با توجه به اینکه منشور ملل متحد نیز یک معاهده بین‌المللی می‌باشد، از این رو، منطقی به نظر می‌رسد که کلیه اقدامات ارکان ملل متحد و دولت‌های عضو بر طبق منشور ملل متحد، منطبق با قواعد آمره باشد (de Wet, 2004: 188). از این رو، ارکان ملل متحد از جمله شورای امنیت نیز ملزم است در اتخاذ تصمیمات و اقدامات خود، در چارچوب قواعد آمره اقدام نماید (Gowlland-Debbas, 1997: 363).

۳- تعارض میان حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و احترام به حقوق بشر: جدال حقوقی میان شورای امنیت و اتحادیه اروپا

یکی از مهم‌ترین موضوعات معاصر در عرصه حقوق بین‌الملل، عبارت است از اینکه آیا استانداردهای حقوق بشری باید ارگان‌ها و نهادهای ملل متحد، از جمله شورای امنیت اجرا شود و چگونه این استانداردها می‌تواند اجرا شود. آیا تعهدات حقوق بشری منطبقه‌ای از جمله کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌تواند به عنوان یک ملاک برای نظارت بر عملکرد سازمان‌های بین‌المللی قرار گیرد؟ در این رابطه می‌توان به رویه اخیر اتحادیه اروپا مبنی بر ارزیابی قطعنامه‌های شورای امنیت با توجه به تعهدات حقوق بشری موجود اشاره نمود (Griller, 2008: 531).

امروزه یکی از چالش‌های اساسی عملیات حفظ صلح، نقض شدید حقوق بشر توسط نیروهای حافظ صلح می‌باشد. تعارض میان عملیات حفظ صلح ملل متحد با تعهدات حقوق بشری دولت‌ها، سبب شده است که ایده‌ها و نظرات متفاوتی در خصوص لزوم مسئولیت‌پذیری و

پاسخگویی دولت‌هایی که نیروهای آن‌ها در جریان عملیات حفظ صلح مشارکت دارند، از سوی حقوقدانان، مطرح شود. برخی از حقوقدانان بر این باورند که نقض حقوق بشر چه در راستای اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت باشد و چه به طور انفرادی و مستقل از جانب دولت‌ها صورت پذیرد، دولت‌ها باید در قبال اقدامات نیروهای خود، مسئول شناخته شوند (Rowe, 2010: 71).

اما در مقابل، برخی دیگر از حقوقدانان بر این باورند که در هر حال، اگر در عمل، میان عملیات حفظ صلح و قواعد حقوق بین‌الملل بشر، تعارض به وجود آمد و نیروهای اعزامی از سوی دولت‌ها، در جریان عملیات حفظ صلح مرتکب نقض تعهدات حقوق بشری شدند، دولت متبوع مأموران هیچ مسئولیتی نخواهد داشت؛ بلکه سازمان ملل متحد خود باید از عهده نقض قواعد حقوق بشری برآید و مبادرت به جبران خسارات وارد بر قربانیان نماید.^۱

۴- قضیه کادی^۲ و نهادینه شدن ارزش‌های اساسی: نظارت قضایی غیرمستقیم دیوان دادگستری اروپا بر شورای امنیت

نظام اروپایی حقوق بشر توانسته است تا اندازه‌ای به ایده نهادینه شدن نظام حقوق

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه می‌توانید مراجعه کنید به:

Frederick Rawski, "To Waive or Not to Waive: Immunity and Accountability in U.N. Peacekeeping Operations", Connecticut journal of international law, Vol. 18, 2002, pp.103, 107-08; U.N. Comm'n on Human Rights, Sub-Comm'n on the Promotion and Protection of Human Rights, Working Paper on the Accountability of International Personnel Taking Part in Peace Support Operations, 26-49, U.N. Doc. E/CN.4/Sub.2/2005/42 (July 7, 2005).

۲. وقایع مربوط به قضیه کادی از این قرار است که شورای امنیت ملل متحد، کادی را به عنوان یکی از حامیان القاعده اعلام نمود. از این رو، وی مشمول ضمانت اجرای شورای امنیت قرار گرفت - که در اتحادیه اروپا به اجرا درآمد - از جمله اینکه اموال وی مصادره شد. وی مبادرت به طرح شکایت در دادگاه‌های اتحادیه اروپا نمود. در مرحله نخست، دادگاه بدوی از اعمال هر گونه تجدیدنظر در اقدامات اتحادیه اروپا در ارتباط با کادی، استنکاف نمود، زیرا این اقدام را به منزله تجدیدنظر در اقدامات شورای امنیت قلمداد نمود و فقط در صورتی خود را مجاز به این اقدام می‌دانست که اقدامات شورای امنیت، معیار با قواعد آمره باشد و در این قضیه نیز، نقض قواعد آمره را محرز ندانست. اما دیوان دادگستری اروپا، در بررسی این قضیه، رویکرد متفاوتی را اتخاذ نمود. دیوان بررسی قانونی بودن اقدامات اتحادیه اروپا را - اگر چه در راستای اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت بود - در صلاحیت خود دانست. مبنای استدلال دیوان این بود که حقوق بنیادین بشر، بخشی از اساس نظم حقوقی بنیادین اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهد از این رو، کلیه اقدامات اتحادیه اروپا باید منطبق با حقوق بنیادین بشر باشد. دیوان در رابطه با خواهان قضیه کادی اذعان نمود که برخی از حقوق بنیادین وی از جمله حق دادرسی عادلانه، حق شنیده شدن و حق مالکیت وی مورد نقض قرار گرفته است. ر. ک: (Ibid, para. 286).

بین‌الملل بشر به عنوان یک نظام برتر - که دربردارنده ارزش‌های اساسی بشری است - نزدیک شود، هر چند که در عمل، به طور کامل این امر محقق نشده است.^۱ اگر چه یکپارچه‌سازی قواعد بر مبنای قواعد حقوق بشری، به عنوان یکی از اهداف اتحادیه اروپا مطرح است و این امر نه فقط در حیطه قواعد حقوق بین‌الملل، بلکه حتی یکپارچه‌سازی قواعد حقوق داخلی کشورهای عضو نیز بر مبنای قواعد نظام حقوق بین‌الملل بشر، مد نظر می‌باشد. اما نظام جهانی حقوق بشر، تاکنون نتوانسته است در فرآیند نهادینه‌سازی نظام حقوق بشر به عنوان یک نظام برتر، موفقیت چندانی کسب نماید. وجود نهادی نظیر دیوان دادگستری اروپا با صلاحیت اجباری‌ای که دارد، در چارچوب منطقه‌ای اروپا، با وضعیت موجود در چارچوب جهانی ملل متحد، بسیار متفاوت می‌باشد (Gardbaum, 2008: 760-761).

قضیه کادی به عنوان یکی از مهم‌ترین قضایای مطرح شده در دیوان دادگستری اروپا در سال‌های اخیر می‌باشد که روابط میان حقوق اتحادیه اروپا با حقوق خارج از آن را تبیین می‌کند (Kadi & Al Barakaat International Foundation v. Council, 2008). دیوان در این قضیه باید در این خصوص تصمیم می‌گرفت که آیا قطعنامه‌های شورای امنیت باید در رابطه با حقوق اتحادیه اروپا از اولویت برخوردار باشند. رویه دیوان در این قضیه، اساساً اجازهٔ چنین اولویت و تقدمی را نداده است (Kokott, 2012: 1015). دیوان دادگستری اروپا در قضیه کادی درصدد برقراری موازنه میان نظم حقوقی بین‌المللی (ملل متحد) و نظم حقوقی اتحادیه اروپا برآمد و از استقلال حقوق اتحادیه اروپا دفاع به عمل آورد (Pavoni, 2009: 630).

۱. در سال ۱۹۵۹ دادگاه اروپایی حقوق بشر بر اساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برای رسیدگی به شکایات علیه دولت‌های عضو در مورد نقض حقوق و آزادی‌های مندرج در کنوانسیون، از جمله حق حیات، منع شکنجه، حق دسترسی به محاکمه عادلانه، آزادی بیان و آزادی اجتماعات تشکیل گردید. متعاقباً پروتکل‌های متعددی به کنوانسیون ضمیمه گردید و دامنه حقوق و آزادی‌های حمایت شده را گسترش داد. این تحول تحولات دهه ۹۰ در اروپای شرقی به خصوص تجزیه اتحاد جماهیر شوروی و یوگسلاوی و عضویت کشورهای جدید منطقه به کنوانسیون، سبب افزایش شدید دعاوی ارائه شده به دادگاه گردید. با توجه به عدم توانائی ساختار قدیمی دادگاه در مقابله با حجم وسیع دعاوی، با تصویب پروتکل شماره ۱۱، تجدیدنظر اساسی در ساختار و سیستم رسیدگی دادگاه به عمل آمد. با لازم الاجرا شدن این پروتکل در سال ۱۹۹۸ دادگاه جدیدی به صورت تمام وقت، با شعبه‌های متعدد، با داشتن صلاحیت اجباری، جایگزین دو نهاد قبلی یعنی دادگاه نیمه‌وقت و کمیسیون اروپایی حقوق بشر گردید. در این مقاله ضمن معرفی و بررسی صلاحیت، ساختار و آیین دادرسی دادگاه جدید، آمار و ارقام مربوط به دعاوی ارائه شده به دادگاه و تصمیمات اتخاذ شده توسط آن، ارائه شده است.

۴-۱- عدم جواز نقض قواعد آمره با استناد به ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد

مقررات منشور ملل متحد در مورد اختیارات شورای امنیت باید به گونه‌ای تفسیر یا اجرا شود که با قواعد آمره منطبق باشد. ایرادی که ممکن است در این رابطه مطرح شود، مربوط به ماده ۱۰۳ منشور می‌باشد که بر اساس آن در صورت بروز تعارض میان تعهدات ناشی از منشور و تعهدات اعضاء به موجب دیگر موافقتنامه‌های بین‌المللی، تعهدات ناشی از منشور، مقدم خواهد بود. تردیدی نیست که تعهدات ناشی از منشور، شامل تصمیمات شورای امنیت نیز می‌باشد. با توجه به اینکه قطعنامه‌های شورا که مغایر با قواعد حقوق بشری می‌باشد، در تعارض جدی با مفاد منشور ملل قرار دارد. از این رو، مضمول برتری و اولویت مندرج در ماده ۱۰۳ نخواهد شد.

دادگاه بدوی در قضیه کادی، اساساً به ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد، استناد نمود که به موجب آن، در صورت بروز تعارض میان تعهدات اعضای ملل متحد بر طبق منشور حاضر و تعهدات آن‌ها به موجب سایر موافقتنامه‌های بین‌المللی، تعهدات آن‌ها بر طبق منشور ملل متحد از اولویت برخوردار خواهد بود. در نتیجه در قضیه حاضر، تعهدات دولت‌های عضو شورای اروپا، بر طبق قطعنامه‌های شورای امنیت در مقایسه با تعهدات حقوق بشری آن‌ها به موجب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، از اولویت برخوردار خواهد بود (Kadi Case, 2008: 233).

تعهدات حقوق بشری دولت‌ها بر طبق مفاد منشور ملل متحد نیز (فارغ از چارچوب منطقه‌ای اروپا و اسناد مرتبط با آن)، جنبه الزام‌آور دارد؛ و از دیدگاه حقوقدانان، در خصوص رأی مرجع بدوی در قضیه کادی، دادگاه این موضوع را مورد توجه قرار نداده است (Griller, 2008: 534).

اگر چه به موجب ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد، در صورت بروز تعارض میان تعهدات دولت‌ها، تعهدات آن‌ها بر طبق منشور ملل متحد بر سایر تعهدات بین‌المللی آن‌ها ارجحیت دارد، اما باید توجه داشت که التزام دولت‌ها در قبال قواعد حقوق بشری نیز بی‌تردید، یکی از تعهدات دولت‌ها بر طبق منشور ملل متحد می‌باشد (Ibid. 538).

۴-۲- دیوان دادگستری اروپا و نقطه پایان دکترین نامحدود بودن اختیارات

شورای امنیت

مبنای استدلال دیوان دادگستری اروپا در رابطه با تجدیدنظر در قضیه کادی نیز اصول ناظر بر نظم حقوقی بین‌المللی از جمله نظام ملل متحد بود. با این وجود، نتایج رأی دیوان با رأی دادگاه بدوی، بسیار متفاوت بود (ECJ, Kadi and Al Barakaat International case, 2008).

دیوان در رأی خود، بر مبنای سه دلیل، اجرای قطعنامه شورای امنیت در قبال خواهان را مجاز ندانست: ۱- اتحادیه اروپا مبتنی بر حکومت قانون می‌باشد، از این رو، این اختیار را دارد تا کلیه اقداماتی را که مغایر با این اصل است، مورد بازنگری قرار دهد. ۲- تضمین استقلال نظم حقوقی اروپا، یکی از وظایف و صلاحیت‌های دیوان است. ۳- قواعد حقوق بشری، جزء انفکاک‌ناپذیر اصول کلی حقوقی می‌باشد که دیوان باید رعایت آن را تضمین نماید (Ibid. paras. 281-284).

دیوان در مرحله نخست، نقض حق شنیده شدن و حق تجدیدنظر قضایی مؤثر را احراز نمود. دیوان با استناد به رویه سابق خود، اذعان نمود که اعمال اصل حمایت قضایی مؤثر، مستلزم آن است که افرادی هم که اسامی آن‌ها در لیست هدف شورای امنیت آمده است، بتوانند در رابطه با اقداماتی که علیه آنان صورت می‌پذیرد، مبادرت به ارائه شکایت نمایند. دیوان در قضیه کادی تأکید نمود که می‌بایست میان ملاحظات امنیتی مشروع و ضرورت رعایت حقوق فردی افراد، موازنه و مصالحه برقرار شود. فقدان دسترسی خواهان به ادله‌ای که علیه وی می‌باشد، خود می‌تواند نقض حق شنیده شدن و حق دادرسی عادلانه وی قلمداد شود (Ibid. paras. 334-353).

در وهله بعد، دیوان نقض حق احترام به حریم خصوصی را احراز نمود. دیوان با استناد به رویه سابق خود خاطر نشان کرد که این حق، مطلق نمی‌باشد و ممکن است تابع محدودیت‌هایی باشد، از این رو، مبارزه علیه تروریسم خود می‌تواند به عنوان یکی از محدودیت‌های مشروع در خصوص حق حریم خصوصی مطرح باشد. با این وجود، دیوان اذعان نمود که در قضیه حاضر اعمال محدودیت بر حق حریم خصوصی خواهان، فاقد وجهت قانونی است (Ibid. paras. 354-370).

۴-۳- ارزیابی ارتقای حمایت از حقوق بشر در شورای امنیت بعد از قضیه کادی

از دیدگاه برخی از حقوق‌دانان، اکنون حمایت قضایی از افراد در سطح ملل متحد، در مقایسه با وضعیت موجود در زمان قضیه کادی، ارتقاء یافته است. با توجه به برخی تحولات در راستای ارتقای حمایت قضایی از افراد، این سؤال مطرح است که آیا اقدامات صورت گرفته می‌تواند کافی قلمداد شود؟ (Kokott, 2012: 1019-1020).

شورای امنیت، در سال ۲۰۰۸، مبادرت به انتشار فهرستی نمود که در آن، اسامی افراد و دلایل و مستندات مربوط به درج اسامی آن‌ها در این فهرست را اعلام نمود (Point 13 of SC Res. 1822, 30 June 2008).

اما در دومین قضیه‌ای که کادی در خصوص مصادره اموال خود در کمیسیون اروپایی حقوق بشر مطرح نمود، از دیدگاه دادگاه عمومی^۱ این اقدام، کافی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا برای افرادی که اسم آن‌ها در لیست درج شده است، همانند سابق، حق تجدیدنظرخواهی لحاظ نشده است (Case T-85/09, Kadi v. Commission, 2010: 49-171).

دادگاه در دومین پرونده کادی هم که در سال ۲۰۱۰ مطرح گردید، اذعان نمود که اقدامات صورت گرفته توسط شورای امنیت، اگر چه گامی رو به جلو، قلمداد می‌شود، لیکن اساساً نمی‌تواند جایگزین حقوق بنیادین خواهان شود. به طور نمونه به موجب اقدامات جدید شورای امنیت، خواهان می‌تواند از دلایل شورای امنیت در خصوص درج اسم خود در لیست منتشره توسط آن، اطلاع حاصل کرده و یا تفسیری ارائه نماید، لیکن از حق تجدیدنظرخواهی یا حق دفاع از خود با استناد به حق دادرسی عادلانه برخوردار نمی‌باشد (Ibid. paras. 173, 177, 181, 192).

۵- رویه اخیر دیوان دادگستری اروپا در قضیه «محمودیان و شرکت فولمن و کالا نفت»: عدول از روند حمایت‌گرایانه از حقوق بشر

دیوان دادگستری اروپا در رأی تجدیدنظر خود، مبادرت به صدور رأی برخلاف رأی دادگاه بدوی (عمومی) نمود. شرکت کالا نفت و فولمن شرکت‌های ایرانی است که فریدون محمودیان، سهامدار اصلی آن قلمداد می‌شود. محمودیان و دو شرکت وی، متعاقب شدت گرفتن اقدامات تحریم‌آمیز شورای امنیت علیه دولت جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسائل هسته‌ای، در چارچوب اتحادیه اروپا مورد تحریم قرار گرفتند. کالا نفت، فولمن و آقای محمودیان، در خصوص الغای تحریم‌های به عمل آمده، مبادرت به طرح شکایت در دادگاه عمومی نمودند. دادگاه در رأی ۲۵ آوریل ۲۰۱۲، برخی از موارد نقض ارتكابی را در راستای اجرای قطعنامه شورای امنیت احراز نمود. همچنین دادگاه در رأی ۲۱ مارس اذعان نمود که تجارت نفت و گاز، فی‌نفسه نمی‌تواند به عنوان اقدامی در جهت تقویت اقدامات هسته‌ای دولت ایران قلمداد گردد (Manufacturing Support & Procurement Kala Naft v Council).

همچنین دادگاه بدوی با توجه به اینکه اجرای قطعنامه شورای امنیت، منجر به تعرض به حقوق بشر افراد می‌شد، تصمیمات و قطعنامه‌های شورای امنیت را ملغی اعلام نموده است (Joined Cases T-439/10 and T-440/10 Fulmen and Mahmoudian v Council).

1. General Court

دیوان دادگستری (تجدیدنظر) در خصوص دعوی فولمین و محمودیان اظهار کرد: «بر اساس رویه قضایی اش استناد به وجود ملاحظات امنیتی اتحادیه یا دولت‌های عضو آن برای عدم افشای برخی اطلاعاتی که دلیل اقدام شورا هستند، ممکن است قابل توجیه باشد. با وجود این، شورا باید دلایل خاص مانع افشای این اطلاعات یا دست کم خلاصه‌ای از آن اطلاعات محرمانه را در اختیار دیوان قرار دهد و با توجه به اینکه شورا نه دلیلی در خصوص چرایی محرمانه بودن اطلاعات ارائه داده است و نه خلاصه‌ای از آن اطلاعات محرمانه را در اختیار دیوان قرار داده است، دیوان ناچار است که تصمیمش را بر اساس اطلاعاتی که در دسترس دارد صادر کند. از این رو، رأی دیوان عمومی مبنی بر اینکه شورای اتحادیه نتوانست ادعایش در خصوص مشارکت شرکت فولمین و محمودیان در برنامه هسته‌ای ایران را صادر کند، تأیید می‌شود و درخواست تجدیدنظر شورا رد می‌گردد». همچنین، دیوان عمومی اتحادیه در ۲۵ آوریل ۲۰۱۲ اعلام کرد که شورای اتحادیه در تفسیرش از مفهوم «مشارکت در برنامه هسته‌ای ایران» و همچنین در ارزیابی از حقایق و اوضاع و احوال قضیه دچار اشتباه شده است و مقررات اتحادیه را رعایت نکرده است. زیرا شورا ادعاهایی را که مبنای اقدامش بود ثابت نکرد و در نتیجه دیوان عمومی مصوبه‌های شورا را تا جایی که ناظر بر شرکت کالا نفت بود باطل کرد. دیوان دادگستری (تجدیدنظر) اعلام کرد که دیوان عمومی هنگام تفسیر از مقررات اتحادیه راجع به تدابیر محدودکننده، تحولات جدید به ویژه قطعنامه ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) شورای امنیت را مد نظر قرار نداد. دیوان عمومی در صدد یافتن یک «پیوند مستقیم» بین فعالیت‌های شرکت کالا نفت و برنامه هسته‌ای ایران بود، حال آنکه بر اساس مقررات جدید اتحادیه، صرف تهیه کالاها و فن‌آوری‌های ممنوع که شامل کالاها و فن‌آوری‌های نفتی و گازی نیز می‌شود، برای اثبات چنین پیوندی کافی است و بدین سبب است که آن مقررات بیان می‌کند: «تدابیر محدودکننده باید نسبت به اشخاصی اعمال شوند که در برنامه هسته‌ای ایران از جمله از طریق مشارکت در تهیه کالاها و فن‌آوری‌های ممنوع دخیل هستند و یا به طور مستقیم همکاری دارند، یا حمایت می‌کنند». به عقیده دیوان دادگستری اتحادیه، قطعنامه ۱۹۲۹ که دامنه تحریم‌ها علیه ایران را افزایش می‌دهد بر بخش نفت و گاز که مهم‌ترین منبع درآمد ایران است تأثیر می‌گذارد و در این راستا بود که شورای اتحادیه تصمیم گرفت که تدابیر محدودکننده جدید به خصوص بر «منع سرمایه‌گذاری جدید [در بخش نفت و گاز ایران]، کمک فنی و انتقال فن‌آوری،

تجهیزات و خدمات مرتبط با آن دو حوزه» تمرکز کند. با توجه به قطعنامه ۱۹۲۹ و مصوبه‌های جدید شورا، «صرف داد و ستد تجهیزات و فن‌آوری‌های کلیدی بخش نفت و گاز به عنوان حمایت از برنامه هسته‌ای ایران تلقی می‌شود»؛ و دیوان عمومی با تفسیر متفاوت از مقررات مربوط، مرتکب اشتباه شد. بنابراین با توجه به نقش محوری شرکت کالا نفت در خرید نفت ایران و تفسیر ارائه شده از مقررات جدید اتحادیه، تشخیص شورا در اینکه آن شرکت در تهیه کالاها و فن‌آوری‌های ممنوعه دخیل بود درست است و دلایل شورا در اتخاذ تدابیر محدودکننده علیه آن بسنده هستند.^۱

با توجه به اینکه رأی دادگاه عمومی، مغایر با منافع شورای امنیت بود، از این رو، شورای امنیت پرونده را جهت تجدیدنظر به دیوان دادگستری اروپا ارجاع داد. دیوان در بررسی‌های خود اذعان نمود که با توجه به قطعنامه ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) شورای امنیت^۲، کلیه اقداماتی که به طور مستقیم مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران است، از جمله صنایع و محصولات نفتی، باید در زمره کالاها و تکنولوژی‌های ممنوعه قلمداد شوند. در نهایت دیوان محمودیان و شرکت نفت کالا را در زمره لیست تحریمی شورای امنیت قلمداد نمود و تحریم‌های صورت گرفته علیه آن‌ها را مجاز دانست.^۳

نتیجه‌گیری

شورای امنیت به عنوان یکی از ارکان ملل متحد، باید در راستای ایفای وظایف و اعمال صلاحیت‌های خود، در قبال مفاد منشور ملل متحد و تعهدات ناشی از آن ملتزم باشد. از این رو، شورا باید در راستای اعمال صلاحیت‌های خود بر طبق فصل هفتم منشور ملل متحد، به موجب حق تعیین سرنوشت (بند ۲ ماده ۱)، حقوق بشر (بند ۳ ماده ۱) و حقوق بشردوستانه (ماده ۱ و ماده ۲ به طور کلی) احترام بگذارد. فقدان حمایت مقتضی و مناسب از حقوق بنیادین بشر افراد در سیستم ملل متحد از جمله در قطعنامه‌های صادره از شورای امنیت، سبب بروز تعارض میان نظم حقوقی ملل متحد و نظم حقوقی اتحادیه اروپا - که حمایت بیشتری از حقوق بنیادین افراد به عمل می‌آورد - شده است و نمونه بارز این امر را می‌توان در قضیه کادی مشاهده نمود.

1. http://iauns.org/external_news

2. Security Council Resolution 1929 (2010) of 9 June 2010.

3. (Council v. Fulmen and Mahmoudian and C-348/12 P Council v. Manufacturing Support & Procurement Kala Naft Co., 28 November 2013)

برقراری ارتباط متقابل میان صلح و امنیت بین‌المللی و حقوق بشر، جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد که شورای امنیت می‌بایست بیش از دهه‌های گذشته خود را در قبال تعهدات حقوق بین‌الملل بشر، ملتزم بداند و کلیه اقدامات خود از جمله تحریم‌های هدفمند علیه اشخاص حقیقی و حقوقی را در چارچوب احترام به حقوق بنیادین افراد اتخاذ نماید. اگر چه به موجب ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد، در صورت بروز تعارض میان تعهدات دولت‌ها، تعهدات آن‌ها بر طبق منشور ملل متحد بر سایر تعهدات بین‌المللی آن‌ها ارجحیت دارد، اما باید توجه داشت که التزام دولت‌ها در قبال قواعد حقوق بشری نیز بی‌تردید، یکی از تعهدات دولت‌ها بر طبق منشور ملل متحد می‌باشد. نظام اروپایی حقوق بشر توانسته است تا اندازه‌ای به ایده نهادینه شدن نظام حقوق بین‌الملل بشر به عنوان یک نظام برتر - که در بردارنده ارزش‌های اساسی بشری است - نزدیک شود، هر چند که در عمل، به طور کامل، این امر محقق نشده است.

برقراری موازنه میان ارزش‌های اساسی جامعه و اقدامات بین‌المللی مؤثر علیه تروریسم، به آسانی ممکن نمی‌باشد. با این وجود، پیشرفت‌های حاصله متعاقب قضیه کادی، حاکی از آن است که اکنون بازیگران عرصه بین‌المللی درصدد برقراری یک موازنه مؤثر میان قواعد معارض می‌باشند. از این رو، باید با دید خوش‌بینانه، آینده حقوق بین‌الملل جهت برطرف نمودن تعارضات موجود میان قواعد را ترسیم نمود. به ویژه اینکه اکنون با توجه به روند انسانی‌تر شدن حقوق بین‌الملل، اهمیت و جایگاه ارزش‌ها و هنجارهای حقوق بشری در شیوه‌های حل تعارض قواعد حقوق بین‌الملل، بیش از پیش مورد تأکید قرار می‌گیرد.

شورای امنیت در اقدامات خود باید از قواعد حقوق بشری - که واجد خصیصه قواعد آمره است - از جمله منع شکنجه، منع برده‌داری و منع آپارتاید و حقوق بشردوستانه تبعیت نماید، بنابراین شورای امنیت در قبال رعایت و احترام به حقوق بنیادین بشر و حقوق بشردوستانه - که واجد خصیصه آمره است - ملتزم می‌باشد.

منابع

الف - فارسی

۱. ارکلش ویلی، الکساندر؛ *تأثیر قواعد آمره حقوق بین‌الملل بر تفسیر و اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت*، ترجمه سید قاسم زمانی، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۴، شماره ۷.
۲. امین زاده، الهام؛ غلامی، وحیده؛ «تحدید اعمال تحریم‌های اقتصادی در پرتو ضوابط حقوق بشر»، فصلنامه روابط خارجی، ۱۳۹۲، سال پنجم، شماره ۳.

۳. زمانی، سید قاسم؛ «جایگاه قواعد آمره در منابع حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی، ۱۳۷۷، شماره ۲۲.
۴. زمانی، سید قاسم؛ زنگنه شهرکی، جعفر؛ «تحریم‌های بین‌المللی ناقض حقوق بشر: از چالش مشروعیت حقوقی تا مسئولیت بین‌المللی»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، تابستان ۱۳۹۲، شماره ۶۷.
۵. شایگان، فریده؛ «تحریم‌های هدفمند شورای امنیت و حق اشخاص هدف بر دادرسی منصفانه»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، زمستان ۱۳۹۰، دوره ۴۱، شماره ۴.
۶. ممتاز، جمشید؛ «انطباق تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت با حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۴.

ب- لاتین

7. Barral, Virginie; 2012, "Sustainable Development in International Law: Nature and Operation of an Evolutive Legal Norm", European Journal of International Law, Vol. 23 No. 2.
8. de Búrca, Gráinne; 2010, "The ECJ and the International Legal Order after Kadi", Harvard International Law Journal, Vol. 51.
9. de Wet, Erika; 2013, "From Kadi to Nada: Judicial Techniques Favouring Human Rights over United Nations Security Council Sanctions", Chinese Journal of International Law, Vol. 12.
10. _____; 2004, *The Chapter VII Powers of the United Nations Security Council*, Hague, Hart Publishing.
11. _____; 2004, "The Prohibition of Torture as an International Norm of jus cogens and its Implications for National and Customary Law", European Journal of International Law, Vol. 15, No. 1.
12. Fassbender, Bardo; 2009, *The United Nations Charter as Constitution of International Community*, Hague, Martinus Nijhoff Publishers.
13. Flynn, E.J; 2005, "Counter-Terrorism and Human Rights: The View from the United Nations", European Human Rights Law Review, Vol. 1.
14. Gardbaum, Stephen; 2008, "Human Rights as International Constitutional Rights", The European Journal of International Law, Vol. 19, No. 4.

15. Gowlland-Debbas, Vera; 1997, *Judicial Insights into Fundamental Values and Interests of the International Community*, in Alexander S Muller et al (eds), *The International Court of Justice. Its Future Role after Fifty Years*, The Hague, Martinus Nijhoff.
16. Griller, Stefan; 2008, "International Law", *Human Rights and the European Community's Autonomous Legal Order: Notes on the European Court of Justice Decision in Kadi*, *European Constitutional Law Review*, Vol. 4.
17. Kokott, Juliane and Christoph Sobotta; 2012, "The Kadi Case – Constitutional Core Values and International Law – Finding the Balance?", *The European Journal of International Law*, Vol. 23 No. 4.
18. Orakhelashvili, Alexander; 2005, "The Impact of Peremptory Norms on the Interpretation and Application of United Nations Security Council Resolutions", *The European Journal of International Law*, Vol. 16, No. 1.
19. Petersmann, E.-U; "Constitutionalism and the Regulation of International Markets: How to Define the "Development Objectives" of the World Trading System?", *EUI Working Paper Law No 2007/23 (2007b)* <http://cadmus.iue.it/dspace/bitstream/1814/7045/1/LAW-2007-23.pdf>
20. _____; 2000, "From "Negative" to "Positive" Integration in the WTO: Time for "Mainstreaming Human Rights" into WTO Law?", *Common Market Law Review*, Vol. 37.
21. Ragazzi, M; 1997, *The Concept of International Obligations Erga Omnes*, Oxford, Oxford University Press.
22. Rowe, Peter; 2010, "United Nations Peacekeepers and Human Rights Violations: the Role of Military Discipline", *Harvard International Law Journal Online*, Vol. 51.
23. Schweigman, David; 2001, *The Authority of the Security Council under Chapter VII of the UN Charter: Legal Limits and the Role of the International Court of Justice*, Hague, Kluwer Law International.
24. Weiler, Paulus; 1997, "The Structure of Change in International Law or Is There a Hierarchy of Norms in International Law?", *The European Journal of International Law*, Vol. 8.

ج- قضایا و آراء

25. ECHR, Al-Jedda/United Kingdom App. No. 27021/08, judgment of 7 July 2011, ECHR 2011.
26. ECHR, Behrami and Behrami v. France; Saramati v. France, Germany and Norway, App. Nos. 71412/01 & 78166/01, decision of 2 May 2007.

27. ECHR, Bosphorus Hava Yollari Turzim ve. Ticaret Anonim Sirketi v. Ireland, Case 45036/98, judgment of 30 June 2005.
28. ECHR, Loizidou v. Turkey (preliminary objections), Case 15318/89.
29. ECJ, Yassin Abdullah Kadi v. Council of the European Union and Commission of the European Communities [2005] ECR II-3649 (21 September 2005).
30. Kadi (Kadi case). AG Poiares Maduro, 23 Jan. 2008, Case C-415/05 P, Al Barakaat International Foundation.

